افول هیمنه

دکتر مصطفی یقینی‌پور*

افول اعتماد مردم امریکا به دولت امریکا

قانون اساسی ایالات متحده امریکا در سال ۱۷۸۹ در مقدمه‌اش بر «استقرار عدالت»، «حفظ برکات آزادی»، «تأمین آسایش ملی» و «ارتقای رفاه عمومی» برای مردم و آیندگان تأکید می‌کند. یکی از مهم‌ترین اهداف از تأمین و صیانت این موضوعات، کسب و ارتقای سطح اعتماد مردم (confidence) به ساختار قدرت سیاسی است، بنابراین در این شماره، افول اعتماد مردم امریکا به دولت امریکا مورد توجه می‌باشد.

اعتماد مردم امریکا به دولت ایالات متحده امریکا در پایین‌ترین حد خود در طول تاریخ تأسیس آن قرار دارد. طبق نظرسنجی ملی توسعه مرکز تحقیقاتی «پیو» که در آوریل ۲۰۱۷ در میان هزار و ۵۰۱ بزرگسال انجام شد، تنها ۲۰ درصد از امریکایی‌ها اظهار کردند به دولت فدرال امریکا اعتماد دارند و در این میان کسانی که معتقدند دولت «تقریباً همیشه» یا «اغلب اوقات» کار درست را انجام می‌دهد، به ترتیب ۴ درصد و ۱۶ درصد می‌باشند. کال توماس نویسنده مشهور کتاب «تاریخ انقضای امریکا»، در یادداشتی در ۲۹ دسامبر ۲۰۱۴ می‌نویسد: «انحطاط باعث افول می‌شود و امریکا نشانه‌های انحطاط را از خود بروز داده است.»

وی با اشاره به دیالوگی از فیلم «دختر از هم گسیخته» می‌آورد: «ما در روزگار بی‌اعتمادی زندگی می‌کنیم. سنت‌های کشور که روزگاری به آنها اعتماد داشتیم، دیگر قابل اطمینان نیستند.»

این روند از سال ۱۹۶۳ میلادی (دوره ریاست جمهوری لیندون بی. جانسون) تا ۲۰۲۱ میلادی (دوره ریاست جمهوری جو بایدن) از حدود ۸۰ درصد به کمتر از ۴۰ درصد نزول کرده است. این نزول متعلق و مختص حزب خاصی نیست و این روند متوجه هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه است اما می‌توان یکی از نقاط عطف افول اعتماد عمومی به دولت و نهادهای سیاسی امریکا را در انتخابات ۲۰۱۶ یافت. در آن مقطع بسیاری از مراکز فعال در افکارسنجی از جمله واشنگتن‌پست، هشدارهایی در خصوص «از دست رفتن اعتماد مردم به سازوکارهای سیاسی و انتخابات» اعلام کردند، به نحوی که برابر پیمایشی در اکتبر ۲۰۱۶ این رقم بالغ بر ۴۶ درصد بوده است.

این میزان بی‌اعتمادی در پی روی کار آمدن دونالد ترامپ و رخدادهای داخلی و خارجی دولت امریکا از جمله شیوع کرونا، تشدید تورم و بیکاری و شورش کنگره ۲۰۲۰ و نپذیرفتن نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ همچنان افزایشی بوده است. در این راستا در آخرین ارزیابی‌ها از عملکرد جو بایدن در اواخر ۲۰۲۰، ۵۱/۵ درصد از عملکرد دولت وی ناراضی هستند که بعد از فرار ارتش امریکا از افغانستان این روند تشدید شد و محبوبیت بایدن در ماه دسامبر به حدود ۳۷ درصد کاهش یافته است.

طبق نتایج افکارسنجی مرکز گالوپ از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ که به صورت سالانه برگزار می‌شود، درصد اعتماد امریکایی‌ها به نهادهای سیاسی این کشور و درصد تغییر «کسانی که زیاد یا بسیار زیاد اعتماد داشتند» نسبت به سال گذشته به ترتیب اینگونه است: ریاست جمهوری: ۳۸ درصد (۱-)، دیوان عالی: ۳۶ درصد (۴-)، نظام عدالت کیفری: ۲۰ درصد (۴-)، کنگره: ۱۲ درصد (۱-)، روزنامه‌ها: ۲۱ درصد (۳-)، اخبار تلویزیونی: ۱۶ درصد (۲-)، ارتش: ۶۹ درصد (۳-) و پلیس: ۵۱ درصد (۳+) به غیر از پلیس، در واقع میزان اعتماد امریکایی‌ها به نهادهای سیاسی نسبت به سال‌های گذشته کاهش داشته است.

درباره مؤلفه افول اعتماد عمومی به نهاد دولت در امریکا، همه‌گیری کرونا یک کارزار عینی و مؤید تغییر اعتماد می‌باشد. به گزارش «هیل» در سپتامبر ۲۰۲۱، نظرسنجی مشترک «اکسیوس و ایپسوس» نشان می‌دهد: «۵۳ درصد شرکت‌کنندگان به داده‌ها و نحوه مدیریت دولت بایدن در خصوص ویروس کرونا اعتماد کم دارند یا هیچ اعتمادی ندارند، این در حالی است که در نظرسنجی‌ای که پیش از این در روزهای اولیه دولت بایدن انجام شده بود، ۵۸ درصد از مردم اعلام کرده بودند به دولت بایدن برای ارائه اطلاعات درست در مورد کرونا اعتماد دارند. نرخ اعتماد به بایدن در مورد کرونا در میان جمهوریخواهان ۱۱ درصد و در میان مستقل‌ها ۴۲ درصد است. همچنین کمتر از ۵۰ درصد شرکت‌کنندگان اعلام کردند، به دولت‌های ایالتی در خصوص اطلاعات کرونا اعتماد دارند که در نظرسنجی پیشین این تعداد ۵۴ درصد بود.»

اعتماد سیاسی شهروندان به حکومت در سه سطح اعتماد به سیستم سیاسی، اعتماد به نهادهای سیاسی و به کارگزاران سیاسی در عرصه اقتصادی موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش رفاه در عرصه اجتماعی باعث ایجاد آرامش، امنیت و در عرصه سیاسی موجب بهبود باور کارآمدی و مقبولیت آن دولت می‌شود؛ وضعیتی که در امریکا برخلاف قانون اساسی آن کشور به سرعت در حال طی شدن است.

***کارشناس مسائل سیاسی**

گزیده خبر

یک دیپلمات سابق:

بهترین تضمین برای ایران حفظ ظرفیت‌های هسته‌ای است

سفیر سابق ایران با بیان اینکه از بین بردن و امحای ظرفیت‌های کشور به هیچ عنوان به معنای توافق خوب نخواهد بود، گفت: بهترین تضمین برای جمهوری اسلامی ایران، حفظ کردن ظرفیت‌های هسته‌ای است.

ابوالفضل ظهره‌وند در گفت‌وگو با ایرنا، با اشاره به حصول توافق خوب در نتیجه مذاکرات وین، گفت: در توافق خوب، لغو تمامی تحریم‌ها به خصوص تحریم‌هایی که قبل از خروج ترامپ از برجام اتفاق افتاده، مورد نظر است. بدین معنی که کلیه تحریم‌هایی را که ترامپ وضع کرد، چه در حوزه هسته‌ای و چه غیرهسته‌ای، همه باید لغو شود و شرایط به قبل از خروج ترامپ از برجام برگردد.

سفیر پیشین کشورمان در ایتالیا با بیان اینکه باید ببینیم توافق خوب را چه کسی و از چه منظری مطرح می‌کند، اضافه کرد: برداشت من این است که شرایط قبل از ترامپ و خصوصاً قبل از خروج ترامپ از برجام، می‌تواند توافقی باشد که مد نظر ایران است.

وی با بیان اینکه بخش دیگر این توافق، قطعاً مربوط به تعهدات ماست، گفت: اگر قرار است ما در این وجه فعالیت‌های هسته‌ای خود را کاهش دهیم و به دوره‌ای که ترامپ از برجام خارج شد، برگردیم، تکلیف مواد و منابعی که صرف کردیم و به غنی‌سازی ۶۰ درصد و ۲۰ درصد رسیدیم یا سانتریفیوژهای جدیدتر چه خواهد شد، از منظر ما قطعاً امحای آنها و خارج کردن‌شان از کشور به هیچ عنوان پذیرفته نیست.

سفیر پیشین کشورمان در افغانستان اضافه کرد: در حالی که طرف مقابل بر از بین بردن ظرفیت‌هایی که به آن رسیده‌ایم، تأکید دارد، به اعتقاد من یکی از اهرم‌های تضمینی که می‌تواند در اختیار ما باشد، همین ظرفیت است. اگر قرار است توافق کنیم، طرف مقابل نمی‌تواند تضمین خاصی در این مورد بدهد که به تعهدات خود عمل خواهد کرد. ظهره‌وند با تأکید بر اینکه بهترین تضمین برای ما حفظ کردن ظرفیت‌هایمان است، ادامه داد: ما به هیچ عنوان نباید ظرفیت‌های خود را از بین ببریم و باید آن را مثل «شمشیر داموکلس» حفظ کنیم و به صورت پلمب شده در کشور نگهداری کنیم و با همان وضعیت گذشته برجام را جلو می‌بریم و در صورت توافق احتمالی اگر امریکایی‌ها لحظه‌ای خواستند زیر میز بزنند و به تعهدات خود عمل نکنند، زحمت آن شکستن یک پلمب است؛ همان چیزی که در سال ۸۴ اتفاق افتاد.

تحلیل

سعید همتی

فشارهای روانی- رسانه‌ای برای امتیازگیری از طرف ایرانی تمامی ندارد

ترس امریکا از ایران هسته‌ای نتیجه مذاکرات را تضمین می‌کند

بازی امریکایی‌ها؛ فرصت ایران رو به اتمام است!

مذاکرات هسته‌ای میان ایران و ۴+۱ کماکان در وین در جریان است و بعضاً اخبار ضدونقیضی هم از چالش‌ها و موانع پیش روی دو طرف به بیرون درز پیدا می‌کند اما در لابه‌لای اخباری که از مذاکرات منتشر می‌شود، نباید از شیوه‌های مختلف روانی- رسانه‌ای توسط ایالات متحده امریکا و اروپایی‌ها برای تحت تأثیر قراردادن تیم ایرانی غافل شد.

از جمله مهم‌ترین تاکتیک‌های این روزهای امریکایی‌ها برای تحت فشار قرار دادن تیم مذاکره‌کننده ایرانی می‌توان به «تعیین ضرب‌الاجل‌های مصنوعی» اشاره کرد. امریکا که خود به صورت یکجانبه از برجام خارج شده است، تلاش دارد توپ احیای برجام را در زمین ایران بیندازد و اینگونه القا کند که فرصت داده شده به ایران جهت بازگشت به تعهدات برجامی رو به اتمام است.

همانطور که گفته شد بازی جدید امریکایی‌ها تحت عنوان «فرصت ایران رو به اتمام است!» طی روزهای اخیر گستره بیشتری به خود گرفته است، به طوری که برخی مقامات امریکایی طی ۱۰ روز اخیر و با توجه به احتمال نهایی شدن متن نهایی مذاکرات، پنجره‌ای را که به سوی ایران باز کرده‌اند، در حال بسته شدن می‌دانند، به عنوان نمونه «ند پرایس» سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده در پاسخ به سؤالی در خصوص اظهارات روز سه‌شنبه سناتور «باب منندز» رئیس کمیته روابط خارجی سنا مبنی بر کاهش زمان گریز هسته‌ای ایران به سه الی چهار هفته و همچنین انتقاد از تلاش دولت «جو بایدن» رئیس‌جمهور امریکا برای بازگشت به برجام می‌گوید: «شما همین روزها از یکی از همکاران من در مورد نگرانی‌های ما که ایران در زمینه برنامه هسته‌ای خود ایجاد کرده است، شنیدید. اینها پیشرفت‌هایی است که ایران از زمانی که دولت گذشته تصمیم به خروج از توافق با ایران گرفت، در موقعیت به دست آوردن آن قرار گرفت.»

پرایس در ادامه با اشاره به مذاکراتی که در وین در جریان است، تأکید می‌کند که پنجره فرصت برای احیای برجام در حال بسته شدن است و می‌افزاید: «ما خود را در مجموعه‌ای از شرایط ناگوار می‌بینیم، به این معنی که پنجره بازگشت به برجام بسیار بسته‌تر می‌شود و این پنجره بسیار بسته‌تر شده است، دقیقاً به این دلیل که وقتی ایران به نقطه‌ای برسد که پیشرفت‌های هسته‌ای‌اش مزایای منع اشاعه‌ای را که برجام منتقل می‌کرد، از بین ببرد، این نقطه‌ای است که دیگر از بُعد منافع امنیت ملی و منافع متحدان و شرکای ما در سراسر جهان، پیگیری برای بازگشت متقابل به پایبندی به برجام معنا و مفهومی ندارد و ما باید مسیر دیگری را دنبال کنیم.»

■ همه مثل سخنگو نگرانند

نقطه‌ای که پرایس از آن دم می‌زند و تمام متحدان اروپایی و منطقه‌ای خود را نسبت به آن حساس می‌داند، همان نقطه‌ای است که باید از آن تعبیر به «نقطه ضعف» کرد و بر اساس آن بسیاری معتقدند طولانی شدن توافق برای غرب چندین برابر جمهوری اسلامی ایران خطرناک‌تر و غیرقابل تحمل‌تر است.

هفته قبل بود که آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا در گفت‌وگویی با تأکید بر اینکه فرصت بازگشت به برجام رو به اتمام است، درباره فعالیت هسته‌ای ایران مدعی شد: «ما در زمینه توان بازگشت به این توافق بسیار به پایان فرصت باقی‌مانده نزدیکیم، چون ایران در برنامه خود پیشروی داشته است. دو بحث در این باره وجود دارد؛ اول، [ایران] در حال رسیدن به نقطه‌ای است که زمان گریز آن، یعنی مدتی که طول می‌کشد، مواد شکافت‌پذیر لازم برای یک بمب را تولید کند، رو به کوتاه شدن و رسیدن به مدتی چند هفته‌ای است و این به خودی خود، چیزی است که نباید به مرور به طول بینجامد. دوم، [ایران] همچنان به کسب دانش و ایجاد تخصص [در این زمینه] ادامه می‌دهد، طوری که در نقطه‌ای در آینده‌ای نزدیک، حتی بازگشتن به تمامی محدودیت‌های برجام موجب به دست آوردن دوباره مزایای عدم اشاعه‌ای کافی نخواهد شد، چون تمامی چیزهایی که ایران آموخته است، به آن اجازه می‌دهد حتی با وجود محدودیت‌های برجام، با سرعتی بیشتر [از محدودیت‌هایش] بگریزد، بنابراین ما در حال نزدیک‌تر شدن به آن نقطه هستیم.»

■ دلهره از افزایش قدرت بازدارندگی، روی دیگر ادبیات تهدیدی علیه ایران

روشن است که امریکایی‌ها تلاش می‌کنند به تیم مذاکره‌کننده ایرانی بقبولانند، باید به مذاکراتی که مختصات آن را طرف امریکایی تعیین کرده است، تن دهند که برای دستیابی به چنین هدفی امریکایی‌ها همچنان از زبان تهدید استفاده می‌کنند اما این‌بار نه زبان تهدید نظامی بلکه به این معنا که ایران برای بهبود اوضاع نابسامان اقتصادی و تعلیق تحریم‌ها فرصت آنچنانی ندارد و باید به گونه‌ای رفتار کند که باب طبع امریکایی‌هاست.

در خلال سخنان مقامات ارشد دستگاه سیاست خارجی که به دو نمونه از آن اشاره شد، می‌توان ترس و دلهره طرف امریکایی را به خوبی لمس کرد. امریکایی‌ها به شدت از ارتقای صنعت هسته‌ای کشورمان و کاهش سطح تعهدات هسته‌ای که به غنی‌سازی اورانیوم با درصد بالا منجر خواهد شد، هراس دارند. به زعم آنها افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم و به کارگیری سانتریفیوژهای نسل جدید می‌تواند قدرت بازدارندگی ایران را به سطح چشمگیری افزایش دهد تا جایی که امکان برخوردهای نظامی و خرابکاری و امثالهم نیز نتواند خللی در مسیر پیشرفت هسته‌ای ایران ایجاد کند.

روز گذشته بود که «میچ مک‌کانل»، رهبر جمهوریخواهان در مجلس سنای امریکا ضمن اذعان به اینکه امریکا «بازدارندگی» خود علیه ایران را از دست داده است از سیاستمداران حزب رقیب خود درخواست کرد فشارها را بر تهران افزایش دهند.

«مک‌کانل» در ادامه تصریح می‌کند: «برای اینکه دموکرات‌ها فشارها را بر ایران افزایش دهند و پاسخ قاطعی به این کشور بدهند، دیر نیست. واکنش‌نداشتن قاطع به حملات نیروهای تحت حمایت ایران علیه نیروهای امریکایی در منطقه، بازدارندگی ما را از بین برده و خطرات علیه پرسنل امریکایی را به طرز محسوس افزایش داده است.»

به کارگیری الفاظی مانند «پنجره فرصت داده شده به ایران» نیز صرفاً با هدف تحت فشار قرار دادن طرف ایرانی است و در اصل ناشی از ترسی است که امریکایی‌ها روز به روز بیشتر با آن دست و پنجه نرم می‌کنند و احیانشدن برجام را در شرایط فعلی به معنای «کابوس بی‌پایان ایران هسته‌ای» می‌دانند.

■ ترس از نوع امریکایی آن

اینکه مقامات فعلی امریکا به کرات از اشتباه دونالد ترامپ درباره خروج او از توافقنامه هسته‌ای سخن به میان می‌آورند، ناشی از همین دیدگاه است که اشتباه ترامپ ایران را در مسیری قرار داده است که نمی‌توان فعالیت‌های هسته‌ای و نظامی او را کنترل کرد و چنانچه امریکا امروز در برجام باقی مانده بود، می‌توانست عملاً فعالیت‌های هسته‌ای ایران را به صورت شبانه‌روزی کنترل کند و موازی با آن با اعمال تحریم‌های جدید-البته با عناوین غیرهسته‌ای- مانع از تعلیق واقعی تحریم‌های بین‌المللی ضدایرانی و عدم‌بهره‌مندی کشورمان از دستاوردهای کمرنگ برجام شود.

به واقع با ماندن امریکا در برجام هم رفتار هسته‌ای ایران کنترل و هم دامنه و گستره تحریم‌ها حفظ می‌شد و برخلاف آنچه امریکایی‌ها القا می‌کنند، توسعه فعالیت‌های هسته‌ای ایران طی ماه‌های اخیر، احیای برجام را به عنوان یگانه اولویت این روزهای امریکایی‌ها تبدیل کرده است.

گزارش

رئیسی در دیدار با مجمع نمایندگان ایلام، کرمانشاه، کردستان و همدان:

دولت سیزدهم از اجرای عدالت کوتاه نمی‌آید

رئیس‌جمهور با بیان اینکه ارتباط با مجلس را از زمینه‌های مؤثر در پیشبرد و پیشرفت امور می‌دانم، اظهار داشت: مهم‌ترین رویکرد تمام برنامه‌ها و اقدامات دولت اجرای عدالت است و این مسئولیت مهم را با همراهی و همکاری نمایندگان محترم مجلس در تمام شئون کشور از جمله پرداخت حقوق با جدیت دنبال خواهیم کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر ریاست جمهوری، دکتر سیدابراهیم رئیسی صبح پنج‌شنبه در ادامه دیدار با مجامع استانی نمایندگان مجلس و در نشست با مجمع نمایندگان استان‌های ایلام، کرمانشاه، کردستان و همدان با تبریک فرا رسیدن ماه رجب گفت: استان‌هایی که امروز نمایندگان آنها در جلسه حضور دارند، سهم قابل توجهی در دوران دفاع مقدس داشته‌اند و به واقع دین خود را به نظام و انقلاب ادا کرده‌اند، لذا باید همه تلاش خود را برای رفع کاستی‌ها و مشکلات مردم این استان‌ها به کار بگیریم. رئیس‌جمهور در ادامه با اشاره به مباحث مطرح شده در سخنان نمایندگان حاضر در جلسه درباره لزوم توزیع عادلانه امکانات و منابع کشور اظهار داشت: سازمان برنامه و بودجه به تبع رویکرد کلی دولت، اجرای عدالت را مبنای اصلی اقدامات خود قرار داده است و بر همین اساس در حوزه برنامه‌ریزی و سند آمایش سرزمینی محور برنامه‌ریزی‌های دولت برای ریل‌گذاری و اجرای عدالت قرار گرفته است.

رئیسی افزود: سند آمایش سرزمینی باید به عنوان یک سند مهم در نگاه و عمل دولت و نمایندگان مجلس مبنا قرار گیرد تا بتوانیم با توجه به محدودیت اعتبارات بهترین عملکرد را داشته باشیم.

رئیس‌جمهور ایجاد صندوق توسعه استان‌ها را یکی دیگر از اقدامات دولت در راستای اجرای عدالت عنوان و تصریح کرد: دولت تنخواهی برای این صندوق‌ها در نظر گرفته اما منبع اصلی تأمین اعتبارات این صندوق‌ها درآمدهای استانی است که به استانداران و نمایندگان مجلس اجازه می‌دهد به پشتوانه این صندوق‌ها با دستی بازتر رفع مشکلات استان را دنبال کنند.

آیت‌الله رئیسی در بخش دیگری از سخنانش به موضوع تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام اشاره و خاطرنشان کرد: با توجه به حجم بالای پروژه‌های نیمه تمام در کشور، دولت درصد پیشرفت این پروژه‌ها را به عنوان اصلی‌ترین شاخص برای اولویت‌بخشی به تکمیل آنها قرار داده است.

■ فعال کردن بازارچه‌های مرزی به نفع معیشت مرزنشینان

رئیس‌جمهور با اشاره به قرار گرفتن استان‌های کردستان، کرمانشاه و ایلام در خط مرزی کشور گفت: استانداران این استان‌ها می‌توانند با اطلاع وزارت امور خارجه با استان‌های همجوار در کشور همسایه در راستای توسعه مبادلات و به ویژه فعال کردن بازارچه‌های مرزی تعامل داشته باشند. فعال کردن بازارچه‌های مرزی می‌تواند موضوع کولبری و تجارت ته‌لنجی و به ویژه قاچاق کالا را سامان دهد و علاوه بر آن به معیشت مرزنشینان و تأمین نیازهای کشور نیز کمک کند.

دکتر رئیسی در ادامه به موضوع فعالیت مناطق آزاد اقتصادی پرداخت و افزود: فلسفه اصلی تشکیل این مناطق ایجاد رونق در تولید و صادرات کالا بود اما امروز برخی از این مناطق به کانون واردات تبدیل شده‌اند. رونق تولید و صادرات و در کنار آن اقتصاد گردشگری مناطق آزاد با جدیت در دولت سیزدهم دنبال می‌شود.

آیت‌الله رئیسی اشتغال را مهم‌ترین مسئله و دغدغه دولت برشمرد و تصریح کرد: در نیمه دوم سال جاری تلاش‌ها و اقدامات برای ایجاد اشتغال سرعت یافته است.

■ استثنائات، قانون نظام هماهنگ پرداخت را بی‌اثر کرده است

رئیس‌جمهور درباره اقدامات دولت برای عادلانه کردن پرداخت حقوق به کارکنان دولتی گفت: بی‌عدالتی‌های موجود در زمینه پرداخت حقوق بسیار نگران‌کننده است و دولت در همین راستا در حال نهایی کردن لایحه‌ای است تا پرداخت حقوق به همه کسانی که از دولت حقوق دریافت می‌کنند، عادلانه شود.

دکتر رئیسی افزود: متأسفانه در ماه‌های پایانی دولت قبل لوایحی در زمینه حقوق و مزایای برخی بخش‌ها به مجلس ارائه شد که کارِ کارشناسی کافی روی آنها انجام نشده بود. دولت بعد از بررسی با برخی از این لوایح موافقت کرد اما باید این نکته را در نظر داشته باشیم که دولت مسئول اجرای عدالت در قبال همه ۸۵ میلیون جمعیت کشور است. رئیس‌جمهور ادامه داد: امروز وقتی به قانون نظام هماهنگ پرداخت نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که استثنائات بسیاری بر این قانون تحمیل شده تا آنجا که اصل قانون را بلااثر کرده است و آنچه باقی مانده بیش از اجرای عدالت باعث ایجاد تبعیض می‌شود.

آیت‌الله رئیسی اظهار داشت: نباید اجازه داد چانه‌زنی در نظام پرداخت حقوق جای عدالت را بگیرد چراکه چانه‌زنی حدِ یقف ندارد، دولت موظف است همه حقوق‌بگیران را عادلانه و به یک چشم ببیند. رئیس‌جمهور تصریح کرد: دولت سیزدهم برای اجرای عدالت عزم جدی دارد و تهیه پیوست عدالت برای همه لوایح و اقدامات دولت به ویژه لایحه بودجه انجام خواهد شد.

دکتر رئیسی در ادامه سخنانش به موضوع تعیین تکلیف ادامه یا توقف پرداخت ارز ترجیحی اشاره کرد و گفت: در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ ابعاد مختلف این موضوع را در نظر گرفتیم و باید در نظر داشته باشیم که هر تصمیمی درباره این موضوع باید با اجماع نسبی، اقناع افکار عمومی و از همه مهم‌تر در نظر گرفتن اقدامات جبرانی کافی اتخاذ شود.

در این جلسه ابتدا نمایندگان چهار استان حاضر به بیان دیدگاه‌ها، مسائل، مشکلات و مطالبات ملی و استانی خود پرداختند و پس از آنان نیز استانداران این چهار استان در سخنانی به تشریح اقدامات انجام شده و برنامه‌های پیش رو برای توسعه و آبادانی استان‌های تحت مدیریت خود پرداختند.

دهه فجر ۱۴۰۰

انقلاب ما

طلوع فجر

مردم‌سالاری دینی با انقلاب زاده شد

در شماره‌های پیشین در این ستون کوشیدیم به صورت گذرا به برخی عقب‌ماندگی‌ها، وابستگی‌ها و ناکامی‌های رژیم فاسد پهلوی که منابع مادی و معنوی ایران از یکسو و استقلال سیاسی کشور از سوی دیگر را به تاراج برده بود، اشاره کنیم. در چند شماره آینده تلاش خواهیم کرد، به گزیده‌ای از دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف اشاره کنیم که چکیده‌ای از آنها در این ستون از نظر مخاطبان محترم خواهد گذشت و در شماره‌های آینده به صورت جزئی‌تر به این دستاوردها می‌پردازیم.

۱. ایجاد نظام ولایی (مردم‌سالاری دینی)، حل بحران مشارکت سیاسی، گسترش معنویت و اخلاق، از بین بردن ماهیت طبقاتی دولت در ایران، ایجاد نسبی برابری فرصت‌ها، قطع نفوذ خارجی و تأمین استقلال ملی، پاسداشت آزادی بیان و انجمن و دستیابی به دانش‌های راهبردی از مهم‌ترین دستاوردهای بنیادین و معنوی انقلاب اسلامی است که به هیچ‌وجه کمتر از دستاوردهای مادی و ملموس آن نیست. مجموع این دستاوردها از یک سو به انسانی‌تر شدن شرایط زندگی در کشور کمک کرده و از سوی دیگر، درجه اعتماد به نفس، خودباوری و حتی خودشکوفایی ملی در ایران را ارتقا داده است. بر این اساس، اگر امروز در حوزه‌های دفاعی و علمی، جوانان این مرزوبوم، مرزهای دانش را جابه‌جا کرده‌اند، در سایه خودباوری و اعتماد به نفسی است که موتور محرکه آن انقلاب اسلامی است.

۲. نمره ایران در شاخص توسعه انسانی از ۰/۵۷۷ در سال ۱۹۹۰ به ۰/۷۸۳ در سال ۲۰۲۰ رسیده است، یعنی نمره ایران در این شاخص، ۲۰۶ واحد رشد داشته است. متوسط رشد شاخص توسعه انسانی در ایران، در مقایسه با متوسط رشد جهانی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷، بالاتر از متوسط رشد جهانی بوده است. در مقایسه با کشورهای عربی ثروتمند منطقه نیز میزان رشد شاخص توسعه انسانی در ایران بسی بالاتر بوده است.

۳. در حوزه صنعتی، تولید فلزات سنگین رشد چشمگیری داشته است، به عنوان مثال، تولید آلومینیوم نسبت به قبل از انقلاب، رشد حدود هفت برابری داشته است. ایران هم‌اکنون دومین تولیدکننده فولاد در سطح منطقه است و از این جهت، فاصله معناداری با سایر کشورهای منطقه دارد. ظرفیت تولید سیمان کشور نیز ۱۵۶ درصد رشد کرده است، یعنی تولید محصولات پتروشیمی نیز بیش از ۳۰ برابر شده است. جالب آنکه در این حوزه، به خودکفایی بالای ۹۰ درصدی رسیده‌ایم. در همین راستا، تولیدات محصولات کشاورزی ایران در سال ۱۳۹۶ به ۱۱۸ میلیون تن رسیده است. به این ترتیب، ۸۰ درصد از نیاز کشور از طریق تولید داخلی تأمین می‌شود و خودکفایی ۸۰ درصدی در بخش کشاورزی ایجاد شده است.

۴. در حوزه فرهنگی می‌توان گفت بررسی تنوع و حجم انتشارات در موضوعات مختلف، تقویت و توسعه حوزه‌های علمیه، مساجد، موقوفات، توسعه و افزایش شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی جمهوری اسلامی در داخل کشور و آن سوی مرزها، احداث و توسعه فرهنگسراها و مراکز فرهنگی و هنری، برگزاری ده‌ها و بلکه صدها نمایشگاه داخلی و بین‌المللی کتاب، افزایش کمی و کیفی آثار نمایشی به ویژه در بخش فیلم و کسب موفقیت‌های جهانی در این زمینه و مهم‌تر از همه، ارتقای بینش و آگاهی‌های عمومی و اجتماعی در سطح جامعه، از مهم‌ترین فعالیت‌های قابل ذکر در کارنامه فرهنگی انقلاب اسلامی است. علاوه بر این، امروزه به برکت انقلاب و نظام اسلامی، هیچ هموطنی به دلیل هویت قومی و مذهبی، در دستیابی به حقوق شهروندی‌اش با هیچ مشکل و مانعی روبه‌رو نیست.

۵. براساس آخرین رتبه‌بندی پایگاه Power Fire Global ایران در میان ۱۴۰ کشور، (بدون احتساب قدرت سپاه) در رتبه ۱۴ قرار دارد و بعد از ترکیه، مهم‌ترین قدرت دفاعی منطقه غرب آسیا می‌باشد. کسب این رتبه در حالی است که جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای منطقه، کمترین میزان از تولید ناخالص داخلی (GDP) سالانه خود را به هزینه‌های دفاعی- نظامی اختصاص داده است. آنچه شگفتی و عظمت توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران را بالا می‌برد، این است که جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب تاکنون با تحریم دست و پنجه نرم کرده و تحت این شرایط، هیچ سلاحی از امریکا خریداری نکرده است، اما کشورهای منطقه همگی با برقراری روابط نظامی با امریکا، مقادیر زیادی سلاح و مهمات از این کشور خریداری کرده‌اند، با وجود این، همچنان در مقایسه با کشورمان، میزان قدرت دفاعی- نظامی آنها بسیار محدود است.

نکته

ولیعهد پهلوی نه نمره اضافه می‌گرفت نه پول اضافه؟

در فضای مجازی کلیپ‌هایی منتشر می‌شود که در آنها به استناد نمرات اخذ شده توسط فرزندان شاه به خصوص «رضا پهلوی» که در آن دوره عنوان ولیعهدی را یدک می‌کشید، گفته می‌شود در آن برهه تفاوتی میان شاه و گدا نبوده و هر کس به مقتضای استعداد خود رشد می‌کرده است! در این زمینه مستندات فراوانی وجود دارد که به چند مورد اشاره می‌کنیم که روشن شود آیا ولیعهدِ شاه در دوران طفولیت، کودکی و نوجوانی تفاوتی با مردم عادی داشته است یا نه؟!

«اسناد لانه جاسوسی» شاید بتواند یکی از منابع مهم در این زمینه باشد، در این اسناد می‌خوانیم: «تصمیمات سیاسی تا اندازه‌ای از طرف شاه گرفته می‌شود اما احتمالاً تعدادی از اعضای خانواده سلطنتی در این امور نفوذ دارند... ولیعهد رضا پهلوی در حال حاضر به سوی قدرت مرکزی در حرکت است اما به نظر نمی‌رسد آن موفقیتی را که در وجود شاه است در او پیدا کرد. از او به عنوان محصلی در حد متوسط نام برده می‌شود. در مورد تحصیلاتش شایعات زیادی وجود دارد ولی شاه اصرار دارد او حداقل تا پایان تحصیلات دبیرستانی در ایران بماند.» تمایز میان ولیعهدِ شاه با دیگران به حدی باید نمود بیرونی می‌داشت که گاهی حالت ابتذال و تغییر در قوانین عادی نیروهای نظامی را به خود می‌گرفت، به عنوان نمونه در خاطرات ۱۲ تیر ۱۳۵۴ «اسدالله علم» وزیر دربار شاه می‌خوانیم: «نیروی هوایی خواسته است هواپیمای آموزشی ولیعهد همرنگ سایر هواپیماهای آموزشی شود. شاه متقابلاً جواب داد که برعکس، تمامی هواپیماهای دیگر باید به رنگ هواپیمای والاحضرت درآیند. ظاهراً پسرک هیچ راه حل دیگری را نمی‌پذیرد...». اخیراً نیز سندی از سوی «پژوهشکده تاریخ معاصر» منتشر شد که نشان می‌دهد در بهمن ماه سال ۱۳۵۶ حقوق رضا پهلوی ولیعهد ۱۷ ساله ایران ۶۰۰ هزار تومان بود و علاوه بر این حقوق بودجه دفتر وی نیز ۶۰۰ هزار تومان می‌شد، این در حالی است که تولید ناخالص داخلی در سال ۵۷ معادل ۴۹۸ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان بوده است. این رقم با احتساب جمعیت ۳۵ میلیون نفری ایران در سال ۵۷ نشان می‌دهد درآمد سرانه سالانه هر ایرانی در همان دوره معادل ۱۴ هزار و ۲۴۸ تومان بود. بر اساس این آمار درآمد ماهانه هر فرد ایرانی هزار و ۱۸۷ تومان، یعنی متوسط درآمد هر ایرانی در سال ۱۳۵۷ معادل هزار و ۱۸۷ تومان بوده است. در حالی که درآمد ماهانه پسر ۱۷ ساله شاه ۶۰۰ هزار تومان در همان سال ذکر شده که معادل ۵۰۵ برابر متوسط درآمد سرانه هر ایرانی است، البته این مبلغ با توجه به سن ولیعهد پول توجیبی منظور می‌شده است که او نه همسری داشته و نه خرجی، این در حالی است که حقوق کارمند عالی رتبه وزارت امور خارجه آن زمان ۲ هزار و ۵۰۰ تومان بود که با یک حساب سرانگشتی حقوق ولیعهد برابر با حقوق ۲۴۰ کارمند عالی رتبه وزارت امور خارجه بود.

منبع: خبرگزای مهر